

بررسی تأثیر عارضه بارداری بر احکام جزایی مادران باردار در فقه و حقوق اسلامی

فراست محمدی بلبان آباد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

چکیده

بارداری یا حاملگی وضعیتی است که رحم زن دارای جنین است و مدت زمان نه ماه به طول می‌انجامد و با زایمان به اتمام می‌رسد. این دوران تأثیراتی بر خلق و خو و روان زن باردار دارد که این امر در حوزه علم زنان و زایمان و همچنین روان‌شناسی بررسی می‌شود و به تبع، بر احکام جزایی و کیفری او تأثیرگذار است. تحقیق حاضر با عنوان بررسی تأثیر عارضه بارداری بر احکام جزایی زنان باردار در فقه و حقوق اسلامی، به بررسی نظرات فقها و قوانین موضوعه می‌پردازد و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به این یافته‌ها می‌رسد که در صورت باردار بودن زن، در فقه و حقوق اسلامی، اجرای حدود و قصاص به خاطر بیم از آسیب و هلاک جنین و با استناد به آیات ۳۳ سوره اسرا و ۱۶۴ سوره انعام و روایات و اجماع و عقل، به تأخیر می‌افتد. دوران بارداری همواره اختلالات خلقی و روانی را برای زن به همراه دارد و افسردگی و اضطراب شدید و اختلال تمرکز را موجب می‌شود؛ البته این مهم در صدور و وضع احکام و قوانین برای او لحاظ نشده است. با توجه به علل رافع مسئولیت کیفری و عوامل مخففة جرم، بارداری می‌تواند باعث کاهش مسئولیت کیفری و تخفیف مجازات برای زن باردار شود.

کلیدواژه‌ها

بارداری، اختلال روانی، مجازات، فقه، حقوق اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فنی و حرفه‌ای دختران سنندج، سنندج، کردستان، ایران.

f.muhamadi@gmail.com

مقدمه

بارداری یک حادثه فیزیولوژیک و برای زن و خانواده‌اش دوره‌ای منحصر به فرد و استثنایی است و به‌عنوان یک دوران مهیج و لذت‌بخش در زندگی زنان در نظر گرفته شده است؛ اما این دوران همواره همراه با استرس و اضطراب برای مادر باردار می‌باشد. بنابر اهمیت و ضرورت امر، علم زنان و زایمان تدوین شده است تا به بررسی و بحث و کنکاش در مورد این عارضه قابل توجه طبیعی بپردازد تا هم اسرار آن را برملا کند و هم بانوان را در طی مسیر، کمک و همیار باشد. در دوران حاملگی، ممکن است مادر دچار اختلالات خلقی و روانی شود. در قوانین جامعه اسلامی، حمایت‌های مالی و جنایی از زنان در دوره بارداری به دلیل حمل و جنین او صورت گرفته است و در حمایت از او با تعیین و لحاظ کردن نفقه و همچنین تأخیر در اجرای احکام عقوبتی او، قوانینی مصوب شده است؛ اما با وجود این، به دلیل خود مادر و وضعیت ویژه او، حمایت‌های لازم هنوز به وقوع نپیوسته است و مسیر برای این خدمات باید باز و هموار شود. هدف از تحقیق حاضر بررسی قوانین و آرای حقوق‌دانان و فقها در زمینه احکام و قوانین عقوبتی و مجازات زن باردار است تا روشن گردد نسبت به شرایط خاص او چه قوانینی تقنین شده است. همچنین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به مسئله تأثیر عارضه حاملگی بر قوانین و احکام جزایی زنان باردار بنابر وضع موجود آنهاست.

در ضرورت بحث می‌توان بیان کرد که با توجه به اینکه زن‌ها عضو جامعه بشری‌اند و رسالت سنگین انتقال نسل به عهده آنها می‌باشد و برای انجام و اتمام این رسالت که بسی سخت و دشوار است، از جان خویش مایه می‌گذارند، باید ابعاد لازم برای پشتیبانی و فراهم کردن شرایط رفاهی تا اتمام این دوره برای این اشخاص لحاظ شود و همچنین در صدور و اجرای احکام و قوانین برای این قشر خاص، شرایط ویژه آنها لحاظ شود تا در حق آنها ظلم و اجحاف نشود و هم در تصویب و تقنین و اجرای درست احکام کوشا بوده باشیم.

در رابطه با احکام بانوان و دوران بارداری، کتب و مقالاتی نگاشته شده است؛ مانند کتاب معارف و احکام بانوان نوشته حسینعلی منتظری (بی تا) و مقاله «احکام المرأة الحامل» نوشته یحیی بن عبدالرحمن الخطیب (بی تا) و مقاله «ضوابط شرعی در جلوگیری از بارداری» نوشته فاطمه فغند (۱۳۹۸) و برخی کتب و مقالات دیگر. آرا و نظرات در زمینه اجرای احکام جزایی بر بانوان باردار در کتب قدیم و جدید فقهی بخش جنایات و همچنین غالب کتب حقوقی جزایی وجود دارد، اما در رابطه با موضوع تحقیق به طور خاص، تا کنون مقاله و کتابی نگاشته نشده است. روش تحقیق کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

- مادر باردار

مادر باردار زنی است که دچار عارضه بارداری شده است. حاملگی یا بارداری به حالتی اطلاق می‌شود که رحم زن در خود دارای جنین یا رویان باشد. به دوران بارداری «دوره آبستنی» هم می‌گویند. این دوران با به دنیا آمدن نوزاد، یعنی زایمان، به اتمام می‌رسد. دوره بارداری طبیعی در انسان نزدیک به ۳۸ هفته از زمان بادر شدن طول می‌کشد. اگر مدت این دوره از آخرین قاعدگی زن باردار محاسبه شود، مدت زمان طبیعی آن حدوداً ۴۰ هفته خواهد بود. نطفه در حال رشد انسان در هفته‌های اول بارداری رویان و پس از این دوره تا پایان بارداری، جنین نامیده می‌شود. انسان معمولاً در هر بار بارداری تنها یک جنین در رحم دارد؛ هرچند موارد چندقلویی هم چندان نادر نمی‌باشد. سازمان بهداشت جهانی مدت زمان معمولی برای حمل را بین ۳۷ تا ۴۲ هفته تعیین کرده است (معین، ۱۳۷۵، ص ۷۶؛ کانیکهام، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۵۱؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۷).

- احکام جزایی

احکام جزایی مجموعه قوانین همگانی و همیشگی است که شریعت اسلام برای جلوگیری از وقوع جرم و تأمین سلامت و حفاظت از مردم و اقامه عدالت و حفظ نظم و امنیت در جامعه به وسیله قرآن و سنت اسلامی تعیین نموده است. به عبارتی دیگر، مقررات کیفری اسلام که شارع مقدس آنها را در این دنیا برای گناهکارها یا جنایتکارها مقرر کرده است، اعم از اینکه

مرتبط با گناهیانی که کیفر خاصی دارد باشد یا به گناهان دیگر و اعم از اینکه مجازات جنایت، بدنی یا مالی باشد، حقوق جزای اسلامی می‌نامند (گلدوزیان، ۱۳۷۸، ص ۵۲). در تعریف جرم و مجرم می‌توان گفت: هر شخصی که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل انجام دهد که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، مجرم محسوب می‌شود. هیچ شخصی را نمی‌توان مجازات کرد، مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب فعل و عمل مورد اتهام، عمل انجام شده را جرم شناخته باشد. به‌طور واضح‌تر، هر عملی که در مخالفت از احکام قانون انجام شود، جرم است و هر فاعلی که عمل خلاف قانون را انجام دهد، مجرم است و مجازاتی که قانون آن را برای مجرم تقدیر و تعیین کرده، «جزا» است.

در کتاب‌های فقهی برای گناهان اسلامی کیفرهای زیر مقرر شده است:

- حدود: جرایم و گناهان مهمی که شارع اسلام برای آنها جزا (کیفر) لحاظ نموده است و عبارت‌اند از: زنا، نوشیدن مسکرات، سحق، قیاده، قذف، دزدی، ارتداد، محاربه.

- تعزیرات: مجازات‌هایی که کم‌وکیف آنها از جانب شارع اسلام مقرر نشده است و به حاکم شرع اجازه داده شده است که بنابه مصلحت خویش، مرتکب گناه را تأدیب نماید.

- قصاص: انتقام بدنی از شخصی که جنایتی را به وجه عمد و عدوان مرتکب شده است.

- دیات (جمع دیه): شخص مرتکب در جنایت‌ها و صدمه‌های غیرعمدی باید غرامت و خسارت مالی بپردازد. به این غرامات، دیات می‌گویند (همان، ص ۱۲).

با توجه به اینکه مجازات‌های از نوع دیات و برخی تعزیرات بیشتر جنبه مالی دارند و در قانون مجازات اسلامی، مرتکب جرم‌هایی که جنبه مالی دارند (صرف نظر از وضعیت و حالت روانی مجرم)، می‌بایست از عهده آن برآید، این تحقیق مجازات‌های حدی را در رابطه با مادران باردار در فقه و حقوق مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. مجازات‌های حدی مادران در فقه و حقوق اسلامی

ارتکاب جرم از ممنوعات و محظوراتی است که در صورت وقوع، شخص مرتکب به موجب آن مستحق مجازات می‌شود. در فقه و حقوق اسلامی، شخص مرتکب جرایم تعریف شده، یعنی جرایم حدی و تعزیری است که مورد عقوبت مقرر قرار می‌گیرد.

زنان باردار هم می‌توانند از جمله مرتکبان جرایم باشند که به نسبت وضعیتی که در آن قرار دارند، یعنی حامل بودن، مقرراتی را به خود اختصاص داده‌اند که در زیر، بررسی می‌شوند.

۱-۱. قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی در صورت ارتکاب جرایم از سوی زن باردار، در صورت احراز جرم، زن متهم می‌شود و باید مجازات شود؛ اما برخی مجازات‌ها نسبت به او به تعویق می‌افتد. حد قتل و رجم در مورد زنان باردار در زمان بارداری اجرا نمی‌شود و پس از وضع حمل هم، اگر نوزاد کفیل نداشته باشد، حد بر او جاری نمی‌شود. حد تازیانه نیز بر زن باردار و شیرده در صورتی که بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد، به تأخیر می‌افتد. در ماده ۴۳۷ قانون مجازات در مورد قصاص زن باردار آمده است: «زن حامله که محکوم به قصاص نفس است، نباید پیش از وضع حمل قصاص شود. اگر پس از وضع حمل نیز، بیم تلف طفل باشد، تا زمانی که حیات طفل محفوظ بماند، قصاص به تأخیر می‌افتد». بنابر ماده ۴۴۳ قانون مجازات اسلامی، در مورد قصاص عضو هم همین حکم قابل اجراست و اگر زن باردار محکوم به قصاص عضوی از اعضایش باشد و پیش یا پس از وضع حمل، ترس هلاک یا آسیب طفل برود، قصاص تا زمانی که این بیم برطرف شود، به تأخیر می‌افتد. در ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی آمده است: هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده، احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد، اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تأخیر می‌افتد.

قانون مجازات اسلامی در رابطه با قوانین جزایی مادران باردار، به همین سه ماده اکتفا نموده است. البته در رابطه با جرم علیه زن باردار، می‌توان به ماده ۶۲۲ قانون مجازات بخش تعزیرات اشاره کرد: هرکس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. در رابطه با شکایت از شوهر بابت ضرب و شتم نیز، این قانون برقرار است. رکن قانونی بزه کتک زدن زن حامله ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است. بر اساس این قانون، چنانچه شخص از روی عمد، اقدام به ضرب و جرح نماید، علاوه بر پرداخت

دیه، ملزم به تحمل یک تا سه سال حبس خواهد شد. در صورتی که زن باردار باشد و توسط همسر مورد ضرب و جرح قرار گیرد و در نتیجه این ضرب و جرح، جنین آسیب دیده، از بین برود، بر اساس نظر پزشکی قانونی و اینکه جنین چند ماهه بوده است، شخص بایستی به صورت جداگانه، دیه جنین را پرداخت نماید. همچنین جرم از جنبه عمومی نیز با توجه به نظر قاضی، یک تا سه سال حبس خواهد داشت.

طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، ضرب و شتم همسر در دوران بارداری جرم است و مجازات ضرب و جرح زن باردار شامل حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه و شلاق از ۱۱ تا ۳۰ ضربه می باشد. طبق ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵، چنانچه هر شخصی عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه شود، در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه، مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود (شعبانی، ۱۴۰۱، ص ۲).

۲.۱. فقه اسلامی

۲.۱.۱. حدود

علما متفق اند که تازیانه به دلیل سرما و گرمای شدید، حمل و بیماری ای که امید بهبودی در آن است، تا اعتدال جو، بهبود مریض و وضع حمل به تأخیر می افتد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۴۰۲). پس حد بر زن حامله اجرا نمی شود. حال اگر حمل ناشی از زنا باشد یا مشروع و همچنین موجب حد قبل از بارداری باشد یا بعد آن باشد، در این زمینه فرقی ندارد و مانع تأخیر مجازات نمی شود. این حدود شامل رجم، شلاق و قطع می باشد. دلیل این تأخیر حفظ حیات جنین است تا اعمال حد بر مادر منجر به از بین رفتن جنین نشود (لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۹۰).

- دلایل عدم اجرای حد -

- قرآن: خداوند می فرماید: «وَلَا تَنْزِرُوا زُرَّةَ وَزُرَّةَ الْاُنْحَرَى» (انعام، ۱۶۴). بنابر استدلال به این آیه،

اگر به خاطر جنایتی، حدی بر مادر اجرا شود، قطعاً به حمل ضرر می‌رساند و ممکن است او را هلاک کند؛ در حالی که جنین کاری انجام نداده که متحمل عقوبت مادرش باشد و این ظلم به حمل است و این آیه این مسئولیت را نفی می‌کند (شیرازی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۶).

- روایات: «*كما فعل النبي صلى الله عليه وسلم في حد الغامدية*»؛ مستند این تأخیر حدیثی در مورد رجم زن غامدی است که زنا کرده بود. «گفت: ای رسول خدا، پاکم کن. پیامبر فرمود: وای بر تو! برگرد و خدا را استغفار کن و به‌سوی او توبه کن. زن گفت: می‌خواهی من را مانند ماعز بن مالک مردد کنی. پیامبر به زن گفت: تا زمانی که وضع حمل کنی. مردی از انصار کفالت او را تا وضع حمل بر عهده گرفت. پیامبر آمد و گفت: غامدی وضع حمل کرد؛ ولی او را رجم نمی‌کنیم به‌خاطر فرزند کوچکش. رهایش می‌کنیم؛ چون کسی نیست او را شیر دهد. مردی از انصار گفت: رضیع او نزد من است. پیامبر فرمود: پس رجمش کنید» (نسائی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۴۲۶). دو روایت از امام علی^(ع) نیز وجود دارد که حد زن حامله را تا وضع حمل به تأخیر انداخت (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۰۸؛ نوری، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۵۵).

- اجماع: زن حامل تا وضع حملش رجم نمی‌شود، هرچند حملش از زنا و غیره باشد و این رأی اجماعی است تا جنین از بین نرود. همچنین تازیانه نمی‌خورد تا وضع حمل بنا بر اجماع (خطیب، بی‌تا، ص ۲۸). زن حامله قصاص نمی‌شود هرچند که حمل از زنا باشد و در این زمینه، اختلاف نظری وجود ندارد حتی در کتاب *كشاف اللثام «يؤخر استيفاء القصاص منها في النفس اتفاقا إلى أني ضع»* (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۶۹). این رأی متفقاً علیه خوانده شده است؛ زیرا قصاص زن حامله اسراف در قتل است؛ همان‌گونه که از روایت حدود مشخص است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۲۲). با توجه به اینکه فقها در اعلام اجماع، شاهد از روایات آورده‌اند، به نظر می‌رسد در این زمینه اجماع مدرکی صورت گرفته باشد.

- حد عقوبت: واجب، معین و حق خداوند است و منظور از عقوبت معین و مقدر این است که کم و زیاد نمی‌پذیرد و معنی حق خداوند بودن این است که بعد از اثبات، عفو و اسقاط ندارد و قابل تبدیل به عقوبت دیگری نیست؛ چرا که با ادله قطعی ثابت شده است. پس تعدی و اسراف

در آن جایز نیست و در این زمینه، اختلاف نظری بین فقها وجود ندارد و بر عدم اجرای حد بر حامله تصریح دارند؛ زیرا موجب هلاک و از بین رفتن جنین به ناحق است که این بدون شک اسراف است (شیرازی، ۱۴۲۹ ق، ج ۵، ص ۲۲۲۰؛ زحیلی، بی تا، ج ۷، ص ۵۳۸۶).

- بنابر اعتبار عقل: جلد و رجم حامل موجب ضرر غیرمستحق، یعنی حمل می شود و این جایز نیست و راهی برای مجازات در دوران حمل نمی باشد (اردبیلی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۵۱۴).

۲.۱.۲. قصاص

اجرای قصاص بر حامل جایز نیست. ائمه اتفاق دارند که اگر بر زن حامله قصاص نفس یا عضو واجب گردد و مجنی علیه خواستار حبس او باشد، تا زمان وضع حمل حبس می شود و قصاص نفس و عضو تا وضع حمل و رضاعت طفل و انقضای نفاس به تأخیر می افتد (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۵، ص ۲۵۲؛ ماوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۲، ص ۱۱۵؛ بهوتی، بی تا، ج ۵، ص ۵۳۶؛ جزیری، ۱۴۲۴ ق، ج ۵، ص ۳۱۹-۳۲۰). تنفیذ قصاص و حد بر زن حامله صورت نمی گیرد تا وقتی که وضع حمل کند و بچه اش را شیر دهد و تا زمانی که دیگر طفل نیازی به مادر نداشته باشد. در این زمینه، فرقی بین قصاص نفس و عضو وجود ندارد و تا پایان دوره حمل و همچنین شیرخوارگی، هر دو مجازات (قصاص نفس و قصاص عضو) اجرا نمی شود. اگر حامل قتل عمدی انجام داد، اجماعاً تا وضع حمل قصاص نمی شود. چه قبل از صورت گرفتن جنایت حامله باشد یا بعد از آن و احراز جرم و چه قصاص نفس باشد یا قصاص عضو یا طفل حلال زاده باشد یا حرام زاده و یا اینکه حاملگی قبل از وجوب عقوبت باشد یا بعد از آن، در تأخیر عقوبت، فرقی نمی کند (خویی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴۲، ص ۱۶۸؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۳۹؛ عاملی، ۱۴۲۷ ق، ج ۹، ص ۵۴۳).

۲.۱.۳. دلیل فقها بر عدم قصاص حامل

- وجه استدلال در عدم قصاص نفس حامل، آیه ۳۳ سوره اسراء: «فلا یسرف فی القتل» است که قتل حامل، قتل غیرقاتل یعنی جنین است و اسراف در قتل می شود و این نیز حرام است «لا تزر وازرة وزر أخری» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۲۱۹).

- در حدیث آمده است: «إذا قتلت المرأة عمداً لم تقتل حتى تضع ما فی بطنها إن كانت حاملاً، و

حتی تکفل ولدها (مرعشی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۴۵): اگر مرتکب قتل عمد شد اگر حامله بود تا زمان وضع حمل و کفل فرزندش قصاص نمی‌شود.

- اجماع: بر عدم قصاص حامل تا وضع حمل، اجماع وجود دارد (خطیب، بی تا، ص ۲۹). علت جامع در تأخیر تا وضع حمل، حفظ حیات حمل است.

در بالا، آرا و نظرات و مواد قانونی در رابطه با حد و قصاص زن باردار بیان شد. در زیر، به تحلیل و توضیح بیشتر مسئله پرداخته می‌شود. قانون مجازات اسلامی و همچنین اتفاق آرای فقهای اسلامی، اجرای حدود و قصاص بر زن باردار را تا زمان وضع حمل و اتمام رضاعت به تأخیر انداخته است و زن مستوجب حد و قصاص در صورت منجز بودن حمل برای او، تا اتمام بارداری عقوبت نمی‌شود. علت این تأخیر بنابر قانون مجازات اسلامی، بیم از تلف و هلاک جنین و ضرر و آسیب به طفل اعلام شده است. در فقه اسلامی نیز با استناد به آیات (انعام، ۱۶۴؛ اسراء، ۳۳)، روایات (حر عاملی، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۰۸؛ نوری، ج ۱۸، ص ۵۵)، اجماع و دلیل عقلی، عقوبت زن باردار به تأخیر افتاده است.

آنچه در این زمینه مستلزم بیان می‌باشد، این است که در آرای فقها و همچنین مواد قانونی مجازات موضوعه، وضعیت ویژه مادر باردار به عنوان شخصی که در شرایط خاص قرار دارد، اصلاً مورد توجه نیست و در وضع قوانین و بیان آرا، به لحاظ کردن این امر اهتمام نشده است و هیچ بحث و بررسی‌ای در این زمینه صورت نگرفته که آیا عارضه حمل می‌تواند در وقوع جرم تأثیر داشته باشد تا مستوجب قوانین مختص به خود باشد یا نه و تنها حمایت جزایی، که به ظاهر مرتبط با دوران حمل می‌باشد، تأخیر اجرای حدود است که علت آن هم متوجه طفلی است که حمل می‌کند نه خود او. اگرچه ادله فقها در تأخیر اجرای حد بر مادر باردار کاملاً قابل پذیرش و ادله نقلی و عقلی بیان شده در این زمینه بسیار استوار است، لحاظ کردن شرایط ویژه مادر در ایام بارداری برای صدور حکم و تصویب قانون نیز کاملاً ضروری است. برای تفهیم بیشتر مطلب، در ادامه، به برخی شرایط روحی و خلقی‌ای که زن در دوران بارداری گرفتارش می‌شود، اشاره می‌گردد.

۲. شرایط و وضعیت روانی و خلقی دوران حمل

دوران بارداری و پس از زایمان به خودی خود، آن قدر تنش‌زا هستند که می‌توانند باعث ایجاد بیماری روانی شوند. این بیماری‌ها ممکن است حملات عود یا شعله‌وری یک اختلال روانی باشد که از قبل وجود داشته و یا ممکن است شروع یک بیماری جدید باشد (کنینگهم و سایرین، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳۳). عوامل بیوشیمیایی (از جمله آثار هورمونی) و عوامل استرس‌زای زندگی می‌تواند بر بیماری‌های روانی (شروع بیماری یا تشدید آن) تأثیر چشمگیری داشته باشد. در نتیجه، حاملگی نیز باید تعدادی از اختلالات روانی هم‌زمان را تشدید کند. در واقع، تغییرات مرتبط با حاملگی بر میزان استروئیدهای جنسی و نوروترانسمیترهای مونوآمینی، اختلال عملکرد محور هیپوتالاموس (هیپوفیز) فوق کلیه، اختلال عملکرد تیروئید و تغییرات پاسخ ایمنی، تأثیر می‌گذارد که همگی با افزایش اختلالات خلقی در ارتباط هستند (همان‌جا). از طرف محققان، اختلالاتی نظیر دپرسیو، دوقطبی، اضطرابی، اسکیزوفرنی، تغذیه و شخصیت برای دوران حاملگی مطرح شده‌اند (کنینگهم و سایرین، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳۳). در این میان، افسردگی و اضطراب شایع‌تر است. در زیر، به برخی از این اختلالات اشاره می‌شود.

- حاملگی بی‌شک یکی از عوامل استرس‌زای مهم زندگی است که می‌تواند سبب تسریع یا تشدید زمینه ایجاد افسردگی باشد (همان، ص ۱۴۳۷). افسردگی اساسی از اختلالات روان‌پزشکی دوران بارداری است؛ حالتی که با خلق پایین و فقدان لذت و علاقه مشخص می‌شود و می‌تواند همراه علائم زیر باشد: اختلال خواب، تغییر اشتها، اشکال در تمرکز، برانگیختگی یا کندی، کاهش انرژی، احساس گناه، بی‌ارزش بودن، افکار مرگ یا خودکشی. از آنجایی که در طی حاملگی طبیعی، اختلالات خواب، افزایش وزن و کاهش اشتها وجود دارد، تشخیص افسردگی در این دوران ممکن است مشکل‌تر شود (رنجبر کوچکسرایی، ۱۳۸۹، ص ۲) و این به خاطر دخالت استروژن‌ها در افزایش ساخت سروتونین، کاهش تجزیه سروتونین و تعدیل گیرنده‌های سروتونین است (همان‌جا).

- اختلالات اضطرابی در دوران باروری زنان شیوع نسبتاً زیادی دارد (همان، ص ۱۴۴۱). بسیاری

ب از زنان در دوران بارداری به دلیل تغییرات هورمونی و سایر عوامل، دچار افسردگی بارداری می‌شوند. به طور کلی، افسردگی نوعی اختلال خلقی است که در آن، فرد عدم لذت و رضایت از زندگی و احساسات منفی را تجربه می‌کند. تقریباً ۱۴ الی ۲۳ درصد زنان افسردگی بارداری را تجربه می‌کنند. علاوه بر دردهای جسمی، اضطراب و استرس مداوم نیز در این دوره، مادر را با شرایط دشواری مواجه می‌کند. افسردگی بارداری ممکن است با احساس غم و اندوه، افکار خودکشی، تغییر در عادات غذایی، تغییر در الگوی خواب و ... همراه باشد. زنان در دوران بارداری ممکن است به طور طبیعی و به دلیل تغییرات هورمونی، گاه دچار غم و اندوه یا تغییراتی در خلق و خو شوند. اما باید بدانید گاهی این تغییر در خلق و خو نشانه‌هایی از افسردگی بارداری است. افسردگی برای زنان باردار ممکن است به دلیل شرایط خاصی که دارند، دشوارتر از سایر افراد باشد. این نوع افسردگی بر جنبه‌های مختلف زندگی مادر باردار و همسر او اثر زیادی می‌گذارد. پس افراد باید این موضوع را جدی بگیرند و هرچه سریع‌تر برای درمان آن اقدام کنند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که نیمی از زنان مبتلا به افسردگی تحت درمان قرار نمی‌گیرند و این مسئله می‌تواند به مرور زمان، باعث پیشرفت افسردگی در فرد، بروز مشکلات جدی و نیز میل به آسیب زدن به خود یا فرزند شود (تحریریه افق سلامت، ۱۴۰۰، ص ۲).

- علاوه بر این، در سرتاسر مدت حاملگی و در اوایل دوره نفاس، زنان اغلب مشکلات را در زمینه توجه، تمرکز و حافظه (یادآوری) گزارش می‌کنند. در یک مطالعه طولانی بر روی وضعیت حافظه زنان حامله، متوجه شدند که کاهش حافظه در سه ماهه سوم حاملگی رخ می‌دهد (کنینگهم و سایرین، ۱۳۹۳، ص ۹۲). این تغییرات و بدخلقی‌های ناشی از بارداری در حدود هفته ششم تا دهم به اوج خود می‌رسد. در سه ماهه دوم بارداری افت می‌کند؛ در حالی که در ماه‌های آخر بارداری، بار دیگر ظهور خواهد کرد (ترکمنی، ۱۳۹۸، ص ۲).

با توجه به موارد مذکور می‌توان بروز و شدت یافتن این موارد را در زمره اختلالات روانی قرار داد؛ همان‌طور که در کتب تخصصی در این زمینه نیز بیان شده است (رنجبر کوچکسرایبی، ۱۳۸۹، ص ۲؛ کنینگهم و سایرین، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳۷).

۳. تأثیر اختلال روانی بر ثبوت جرم و مجازات

۳.۱. تأثیر اختلال روانی بر ثبوت جرم و مجازات قانون مجازات

در تعریف اختلال روانی می‌توان گفت که اختلال روانی نوعی بیماری به همراه تظاهرات رفتاری و روان‌شناختی و همچنین آشفتگی می‌باشد که ممکن است در اثر یک بیماری جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی، شیمیایی یا ژنتیکی باشد که در بیمار، نشانه‌ای به‌خصوص را ایجاد می‌کند. اختلال روانی عمیقاً بر توانایی‌های تفکر، احساس و عمل یک شخص تأثیر می‌گذارد (Barondes, 1999, P.559). اختلال‌های روانی دایره گسترده‌ای دارند و شناختن هر کدام از آنها به‌طور جداگانه برای بهبود مجازات افراد مبتلا به این اختلال‌ها امری ضروری است؛ زیرا برخی از اختلال‌های روانی اراده را کاملاً مخدوش می‌کنند؛ در صورتی که برخی دیگر تنها قسمتی از آن را از بین می‌برند. بدین ترتیب، در هنگام صدور حکم باید آثار و جوانب هرگونه اختلال روانی در شخص، مورد بررسی دقیق قرار بگیرد تا عدالت در مورد شخص متهم، بهتر اجرا شود.

بعضی از کارکردهای عقلانی مبتلایان به بیماری‌ها و اختلالات روانی (به‌دلیل نقص در سیستم دماغی و ...)، همانند اشخاص عادی و متعارف جامعه نمی‌باشد. در زیر، موارد نقص در قوای ادراکی آمده است:

الف. ادراک: در اصطلاح جزایی، قدرت فهم ماهیت افعال و درک تبعات و آثار آن و توانایی تشخیص اعمال خوب از بد و مباح از ممنوع را ادراک و تمیز می‌خوانند (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵). درک «ماهیت رفتار» یعنی فرد بتواند بین افعال مختلفی که از او صادر می‌شود، تفکیک و تمیز قائل شود؛ اما درک «آثار طبیعی» یعنی شخص اثر مادی‌ای را که رفتار از خود به جای می‌گذارد و همچنین محل ورود این اثر را درک نماید و درک «قیح اجتماعی» یعنی درک خسارت یا خطری که از جانب این رفتار، متوجه حقوق و مصالح مشروع دیگران می‌شود (میرسعیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). پس ادراک یکی از ارکان تشکیل‌دهنده مسئولیت کیفری در مفهوم بالقوه است و این عنصر با عقل ارتباط تنگاتنگی دارد.

در فرهنگ لغت، عقل در معانی مختلفی از جمله دریافت کردن، فهمیدن، هوش، خرد و

شعور ذاتی آمده است (دهخدا، ۱۳۶۷، ص ۲۵۱). در مفهوم کلامی و فلسفی، به قوه و نیرویی در باطن هر انسان گفته می‌شود که از یک طرف، مایه امتیاز او از دیگر جانداران است و از طرف دیگر، ملاک تکلیف، امر و نهی، منبع درک روابط میان امور و اشیا و فهم حسن و قبح رفتارها به شمار می‌آید (شیرازی، بی‌تا، ص ۲۱۹). علوم مختلفی چون روان‌پزشکی و عصب‌شناسی ثابت نموده‌اند که مغز انسان دارای کارکردهای مختلفی است که یکی از آنها تعقل است و این به معنی داشتن بینش واقع‌گرایانه بر حسب عوامل متفاوتی چون سن، باورهای اجتماعی، میزان تحصیلات و ... می‌باشد (فدایی، ۱۳۷۹، ص ۵۲). پس می‌توان گفت که عقل یعنی قوه درک عمل و آثار مترتب بر عمل و هرکس که این قوه را ندارد یا این قوه او دچار اختلال شده است، عملش بی‌اعتبار و اثری هم بر آن مترتب نمی‌گردد.

ب. اختیار: اختلالات روانی بر اراده، اختیار و آزادی عمل شخص تأثیر می‌گذارد. اختیار در لغت به معنای انتخاب کردن و برگزیدن است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ص ۱۵). قدرت بر انجام کار به اراده خویش در مقابل اجبار و اضطرار، آزادی عمل نام دارد (دهخدا، ۱۳۶۷، ص ۸۹) و در مفهوم فلسفی، به معنی حالت فاعل به نحوی است که اگر بخواهد، فعلی را انجام می‌دهد و اگر نخواهد، آن فعل را انجام نمی‌دهد (طوسی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۶؛ حلی، بی‌تا، ص ۲۴۰). بنابر این تفسیر، اختیار دارای دو صفت نزد فاعل است: «اراده» و «قدرت». قدرت یعنی اینکه فعل و ترک فعل در مقایسه با یک فاعل خاص، نسبت برابر و مساوی داشته باشند؛ یعنی فعل به همان اندازه از او صحیح است و به وجود آورنده صفتی اقتضایی و شأنی در فاعل، و به عبارتی «قدرت» است که باعث ترک آن فعل می‌باشد. بنابراین فعل و ترک فعل بنابر وضعیت فاعل، توأمان «شأنیت» و «اقتضا» دارند (دهخدا، ۱۳۶۷، ص ۱۵۰۲). پس اگر فاعل قدرت نداشته باشد، به طریق اولی، اراده نیز نخواهد داشت و اگر قدرت داشته، اما اراده نداشته باشد، فعل او اختیاری محسوب نخواهد شد. اراده نوعی عمل نفسانی می‌باشد که توأم با شعور است و به صورت مستقیم، منشأ بروز رفتار مجرمانه اعم از فعل و ترک فعل می‌باشد. اصولاً زمانی عنصر مادی جرم منتسب به مرتکب خواهد شد که برخاسته از اراده او بوده باشد؛ زیرا در غیر

این وجه، نمی‌توان آن را به وی انتساب داد و شخص هنگامی از لحاظ کیفری مسئول است که علاوه بر توانایی و قدرت در انجام یا عدم انجام، بتواند اراده خود را در مسیر انجام یا خودداری از انجام فعل ممنوع، به کار بگیرد و اگر شرایط پیرامونی اراده فاعل را آن‌چنان محدود نماید که هیچ جایگزینی برای فعل ارتكابی باقی نماند، به نظر می‌رسد اگر بگوییم انتخابی در کار داشته است، معنادار نباشد و اگر نتوان گفت که انتخابی در کار بوده، نمی‌توان به هیچ وجه منصفانه‌ای، فاعل را سزاوار مجازات دانست (تبیث، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱).

می‌توان گفت در ارتباط با ماهیت جرم در رابطه با اختلالات روانی، به‌طور کلی، به مفهوم جرم بستگی دارد. برای مجرم بودن ارتكاب جرم لازم است. در قانون، ارتكاب هر نوع فعل زیان‌آور به جامعه به‌عنوان جرم مطرح نمی‌باشد؛ بلکه فقط عملی که در قانون مجازات به‌عنوان جرم معرفی شده است و به موجب قانون کیفر دارد، یعنی ماده ۱ قانون مجازات اسلامی، جرم می‌باشد و خارج از تعریف قانون‌گذار، جرمی که مستوجب کیفر باشد، مطرح نیست. برای تحقق جرم، در جوار عنصر مادی جرم باید یک عنصر معنوی هم وجود داشته باشد. لذا جرم زمانی محقق می‌شود که اعمال مادی تشکیل‌دهنده آن جرم، یعنی عنصر مادی آن، توسط موجودی ارتكاب یافته باشد که دارای اراده، ادراک و قوه تشخیص و تمییز باشد. امروزه با پیشرفت‌های وسیع علم روان‌پزشکی، تأثیر خیلی از ناهنجاری‌ها بر آسیب‌ها در کارکرد روانی افراد مشخص شده است که طیف وسیعی از این ناهنجاری‌ها را اختلالات روانی تشکیل داده‌اند. شخص دچار اختلال روانی شدید، قدرت انطباق درست ذهنی یا عملی خود را با هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی ندارد و ارتباط او با واقعیت‌ها یا کم یا کاملاً قطع شده است و به‌خاطر نبود درک صحیح از دستورهای قانون‌گذار، این شخص با هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی، سرسبز دارد و این ناسازگاری برای او و جامعه مشکل‌آفرین خواهد شد. فرد باید ویژگی‌هایی داشته باشد تا مورد خطاب قانون‌گذار کیفری قرار بگیرد و این ویژگی‌ها در همه افراد یافت نمی‌شود. فرد باید چهار رکن اساسی عقل، بلوغ، قصد و اختیار را دارا باشد تا او را مخاطب حقوق کیفری قرار دهیم و حتی اگر در یکی از این چهار رکن، اختلالی وارد آید،

نمی‌شود حتی بالقوه فرد را دارای مسئولیت کیفری به حساب آورد؛ زیرا با خلل در یکی از این چهار رکن، دیگر نمی‌توان فرد را صاحب قدرت در فهم خواسته‌های اجتماعی از خود دانست. بنابراین می‌توان گفت زن باردار که بر حسب عارضه بارداری، دچار اختلالات روانی شده، توانایی درک واقعیات وی ضعیف شده است و نمی‌تواند به قواعد اجتماعی و نقض آنها فکر کند و همواره مغشوش اوضاع خویشتن است و این نشان‌دهنده قطع ارتباط بیمار با واقعیت می‌باشد و به همین دلیل است که بررسی وقوع جرم از طرف بیمار روانی و چگونگی مسئولیت کیفری او، دارای اهمیت زیادی است. پس باید رابطه سببیت بین عمل مجرمانه او و اختلال روانی او کشف شود؛ شاید عمل مجرمانه ارتكابی هیچ ارتباطی با اختلالی که به آن مبتلاست، نداشته باشد که اگر ارتباط داشته باشد، باید به صورت قانونی، اختلال روانی او رفع‌کننده مسئولیت کیفری باشد. در وضعیت‌های شدید روانی، بیمار واقعیات را آن‌طوری که هست، در نمی‌یابد. او قدرت فهم خطاب‌های قانون‌گذار را ندارد و همین‌جاست که بسیاری از حقوق‌دانان بر این باورند که مشکل فرد مبتلا به اختلالات روانی در حیطه مسئولیت کیفری بالقوه می‌باشد و اساساً در چنین فردی مسئولیت شکل نمی‌گیرد.

۳.۲. تأثیر اختلال روانی بر ثبوت جرم و مجازات در فقه

از جمله شروط تلکیف بر شخص مکلف در فقه اسلامی، تکامل عقل شخص مکلف است (حلی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۸؛ عاملی، بی تا، ج ۶، ص ۱۳۸)؛ چنان‌که اگر در تکامل عقل شخص، شبهه‌ای وجود داشته باشد، چه از لحاظ مدنی و چه از لحاظ جزایی، تلکیف (غیرمالی) از او ساقط است. حال با توجه به ادله پزشکی مذکور، اختلال روانی در زن حامله در برخی موارد قابل اثبات است و همان‌گونه که بیان شد، این اختلال جرح در قوه تعقل و اراده این شخص ایجاد می‌کند و با این وضعیت، در ثبوت جرم و اجرای مجازات نسبت به این شخص، شبهه ایجاد می‌شود. فقهای اسلامی شخصی را که در عقل او اختلال ایجاد شده است، ملکف مخصوصاً مکلف جزایی، نمی‌دانند (ر.ک. اجرای حدود و قصاص مجانین). در مواردی که در موضع حکم، شبهه‌ای وجود داشته باشد نیز، حکم به درأ حدود داده‌اند. از جمله مواردی که

می تواند بر قاتل بودن شخص، شبهه ایجاد کند، حامله بودن شخص متهم (در صورت زن بودن متهم) می باشد.

در *روضه المتقین* چنین آمده است: «واژه الحدود عام است و دربرگیرنده حد و تعزیر و قصاص است و مقصود از شبهات هر چیزی است که مشتبه شود؛ حتی اگر این اشتباه به دلیل تعارض ادله یا به خاطر نبود دلیل باشد» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۲۹). در بیان مفاد این قاعده، محقق داماد بیان داشته است: «مفاد اجمالی قاعده در آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم یا مسئولیت و استحقاق مجازات متهم، به دلیلی مشکوک و محل تردید باشد، بر طبق این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست» (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۳). مفاد اجمالی قاعده این است که با شبهه حدود برداشته می شوند و مجازات حدی فقط در صورتی جاری می شود که هیچ نوع شک و شبهه ای در بین نباشد» (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

اگر برای اثبات جرم، شرایط لازم وجود داشته باشد، ولی موارد دیگری عدم تحقق جرم را ثابت کند، مورد از موارد شبهه است؛ مثلاً اگر زنی به زنا متهم باشد و چهار مرد هم شهادت به ارتکاب زنا از جانب او دهند، ولی آن زن ادعا کند که باکره است و چهار نفر زن شهادت بر باکره بودن او دهند، نظر نجفی در *جواهر*، شیخ طوسی در *المبسوط*، محقق حلی در *شرایع الاسلام*، شهید ثانی در *مسالک الافهام*، طباطبایی در *ریاض المسائل* و امام خمینی در *تحریر الوسیله*، این است که به دلیل قاعده در آن حد زنا از این زن ساقط می شود (محقق داماد، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۶۴-۶۳). فقهای امامیه می گویند که احتمال وجود شبهه برای سقوط مجازات کافی می باشد، بنابر دلایل زیر:

۱. در روایتی از امام باقر (ع): «*إن علیاً أتی بامرأه مع رجل فجر بها فقالت استکرهنی واللہ یا أمیر المؤمنین، فدرء عنا الحد*» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۸، ص ۳۸۲). بنابر این روایت، زانیه ادعا می کند که اجبار به زنا شده است و لذا با توجه به عدم اختیار، مسئولیت کیفری ندارد؛ ولی با یک سوگندش، در مسئولیت کیفری او شبهه ایجاد شده است. با توجه به عدم امکان اثبات

عنصر روانی، امام^(ع) این مورد را از موارد شبهه تشخیص داده و تنها احتمال صدق گفتار زن را سندی برای براءت او منظور نموده‌اند.

۲. با توجه به متون روایی، این نکته دارای اهمیت است که شارع با توجه به ذهنی بودن عنصر روانی و همچنین بعضی شرایط مسئولیت کیفری و عینی نبودن آنها و بالتبع عدم امکان اثبات آن، فقط احتمال وجود شبهه و درستی ادعای مدعی را برای اجرای قاعده در اکتفا دانسته است. روایات نیز مؤید همین نکته است.

۳. در حدود الهی که از احکام شرعی می‌باشند، از یک جهت مسامحه و امتنان پذیرفته شده و از جهتی دیگر، در مورد این احکام، بر خلاف دیگر احکام شرعی، اصول فقهی مثل اصل عدم جاری نیست؛ زیرا با پذیرفتن اصل عدم در حدود الهی، باید برای اثبات وقوع اکراه یا نسیان یا جهل، دلیل متقن آورده شود و این امور ثابت شود و لذا قاعده در اکتفا به طور کلی، بلااستفاده و عبث خواهد بود. پس در حدود الهی تنها با احتمال صدق شبهه می‌شود به در اکتفا، حکم داد (ساداتی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷).

با توجه به این امور و همچنین با جریان اصل احتیاط، عدم تحقق عمد در جرم و عدم اجرای مجازات راجح است.

۴. جرم و مجازات با توجه به شرایط خلقی و روانی دوران حمل

موضوع علم حقوق جزا، اعمال مجرمانه شهروندان و واکنش جامعه در قبال آنهاست که غالباً در قالب مجازات و بعضاً در قالب اقدام‌های تأمینی و تربیتی تجلی می‌یابد. جرم تشکیل شده از عناصر سه‌گانه‌ای است که با فقدان هر یک از آنها، پدیده مجرمانه منتفی است. با وجود این، ارتکاب هر جرمی لزوماً به اعمال واکنش‌های اجتماعی منجر نمی‌شود؛ بلکه برای این امر، ابتدا باید مسئولیت متهم احراز شود؛ چون مجازات اشخاص غیرمسئول بی‌فایده و ناعادلانه است. در مواردی هم علی‌رغم وقوع جرم و وجود شرایط مسئولیت در مجرم، او در قبال همکاری با ضابطان و دادرسان در کشف جرم یا دستگیری دیگر متهمان، از مجازات معاف می‌شود یا در مجازات وی تخفیف داده می‌شود. بنابراین سه دسته از عوامل، یعنی عوامل موجهه جرم، عوامل

رافع مسئولیت کیفری و معاذیر قانونی، مانع از مجازات هستند، اما این صورت مشترک، یعنی مانعیت از مجازات، صور اختلاف آنها را نمی‌پوشاند. معاذیر قانونی چندان بحث ماهوی ندارد؛ زیرا در اینکه جرم با تمام عناصر و ارکان آن واقع شده و مرتکب دارای شرایط مسئولیت کیفری است، تردید وجود ندارد. آنچه در مجازات او تأثیرگذار است، فقط لزوم اتخاذ یک سیاست کیفری سنجیده توسط مقنن است که مجرمان را به همکاری با مأمورین، برای کشف جرم و پیشگیری از وخامت آن تشویق می‌کند (حبیب‌زاده و فخر بناب، ۱۳۸۴، ص ۵).

ماهیت عوامل رافع مسئولیت کیفری، مسئولیت «الترام به تقبل عواقب و آثار افعال مجرمانه» یا تحمل مجازاتی می‌باشد که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار محسوب می‌شود؛ لیکن صرف ارتکاب جرم نمی‌شود که بار مسئولیت را یک‌باره بر دوش مقصر گذاشت؛ بلکه قبل از آن باید نخست بتوان او را سزاوار تحمل این بار سنگین از تقصیری که مرتکب شده است، دانست و سپس او را مؤاخذه کرد. توانایی پذیرفتن بار تقصیر را در اصطلاح حقوق‌دانان «قابلیت انتساب» می‌نامند و آن را برخوردار فاعل از قدرت ادارک و اختیار تعریف نموده‌اند. پس اگر مجرم مُدْرک یا مختار نباشد، مسئول اعمال خود نمی‌باشد و برای اینکه مسئولیت جزایی به معنای اخص کلمه وجود داشته باشد، باید مجرم مرتکب تقصیری شده (مجرمیت) و این تقصیر قابلیت استناد به او را داشته باشد.

عوامل رافع مسئولیت عبارت است از: شرایط و خصوصیتی در شخص فاعل جرم که مانع از قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به وی می‌گردد و به عدم مسئولیت و مجازات او منجر می‌شود. به باور حقوق‌دانان در عوامل رافع مسئولیت جزایی، رفتار مجرمانه همچنان وصف مجرمانه خود را حفظ می‌نماید؛ اما به علت عدم امکان اسناد جرم به اراده خودآگاه مجرم، او را نمی‌توان مسئول شناخت و از مجازات او انتظار اصلاح یا اجرای عدالت را برآورده نمود؛ مانند مأموری که به حکم قانون و به دستور آمر قانونی، محکوم علیه را اعدام می‌کند (ماده ۵۶ ق.م.ا. یا مدافعی که با رعایت شرایط قانونی، مهاجم را از پای درمی‌آورد (ماده ۶۱ و ۶۲۵-۶۳۲). عوامل رافع مسئولیت کیفری هم را شامل کودکی، جنون، اجبار، اشتباه، مستی، خواب و بیهوشی

دانسته‌اند (نوربها، ۱۳۶۹، ص ۲۳۵). در چنین شرایطی، به دلیل رشدنیافتگی جسمی یا روانی یا حدوث عارضه‌ای گذرا، فاعل جرم فاقد ادراک یا اختیار یا هر دو است و از این رو، رفتار ارتكابی قابل انتساب به وی نیست.

بعضی از حقوق‌دان‌ها معتقدند در عوامل رافع مسئولیت کیفری، جرم با تمام عناصر تشکیل دهنده آن به طور کامل واقع می‌شود، ولی به علت فقدان ادراک یا اختیار یا هر دو، مسئولیت کیفری تحقق نمی‌یابد (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ص ۷۲؛ استفانی، ۱۳۷۷، ص ۴۸۸؛ سلیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹). بعضی دیگر میان عوامل مختلف رافع مسئولیت جزایی تفکیک قائل شده، نوشته‌اند: «بعضی‌ها فقط اراده مرتکب را زائل می‌کنند (اجبار و اشتباه) که چیزی را که انجام می‌دهد، خوب می‌فهمد؛ بر عکس، در یکی از آنها مرتکب جرم نتوانسته است بخواند، زیرا فرض این است که اختلال روانی وی مانع تشخیص خوب از بد است. در این حالت اخیر، شخص به حداقل قابلیت اسناد نمی‌رسد، در حالی که در موقعیت‌های دیگر، تنها اراده در حد مقتضیات قانونی نیست و در نتیجه، عنصر معنوی جرم وجود ندارد (استفانی، ۱۳۷۷، ص ۵۱۵).

همچنین ماده ۳۶ ق.م.ا. بیان می‌دارد: هرگاه آشکار شود که مرتکب جرم حین ارتكاب به عوامل مادرزادی یا عارضی، فاقد شعور بوده یا به اختلال تام قوه تمییز یا اراده دچار باشد، مجرم محسوب نمی‌شود. حال اگر زن باردار بنا بر عارضه بارداری، دچار اختلالات خلقی و روانی شود و این اختلالات گذرا که با وضع حمل از بین می‌رود، توسط پزشکان و روان‌پزشک‌ها محرز گردد و درجه آن تعیین گردد که آیا در قوای ادراکی و ارادی زن باردار مؤثر بوده است، اگرچه از طرف قانون‌گذار به عنوان عامل موجه جرم احصا نشده، اما می‌تواند از موارد رافع مسئولیت کیفری باشد؛ چرا که عنصر معنوی جرم را تحت تأثیر قرار داده است. اختلالات اضطراب، افسردگی و عدم تمرکز حواس باعث تزلزل عنصر معنوی جرم خواهد بود؛ چرا که اگر میزان اختلالات نیز به حدی نباشد که قوای تمییز و اراده را به طور کامل از بین ببرد، اختلال ایجاد می‌نماید، ولو به صورت ناقص. پس می‌تواند تعدیل‌کننده مسئولیت کیفری زن باردار باشد و مسئولیت کیفری او را کاهش دهد.

در جرایم عمدی، بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا. مهم‌ترین شرط لازم برای تحقق عنوان عمد را «قصد» مجرم بیان نموده است؛ یعنی اگر شخص قصد ایراد جنایت نداشته باشد، شامل بند «الف» نخواهد بود و فرقی نمی‌کند مرتکب، اختلال روانی داشته باشد یا نه. اما بند «ب» و «پ» برای عمدی بودن جنایت، آگاهی و توجه مرتکب را لازم دانسته است؛ بدین معنی که اگر عدم آگاهی و توجه مرتکب ثابت شود، جنایت عمدی محسوب نخواهد شد؛ چرا که مقنن اصل را بر آگاهی شخص قرار داده است. بند «پ» نیز ناظر به وقوع جنایت از طرف اشخاص با وضعیت‌های خاص است و بدون قصد جنایت است. پس در این صورت نیز باید قصد شخص برای ارتکاب جنایت ثابت شود که اگر ثابت نشود، جنایت عمد نخواهد بود (میرسعیدی و غلامی، ۱۳۹۷، ص ۳۰).

حال با توجه به موارد ذکرشده در رابطه با شرایط روحی و خلقی زن باردار که این عوامل در بسیاری از زن‌های حامله شکل می‌گیرد (اگرچه میزان آن می‌تواند متفاوت باشد)، نمی‌توان شرایط موجود برای او را عادی فرض کرد و در تمام احکام و قوانین، زن باردار را به مانند یک فرد با شرایط عادی به شمار آورد و این مقتضی بررسی و توجه و نهایتاً تخفیف و کاهش در قوانین و احکام، به‌ویژه در قوانین مربوط به جرم و مجازات در رابطه با زن باردار است. البته این توجه و تخفیف نه از باب مادر بودن برای طفلی و به‌خاطر جنین او، بلکه به‌خاطر خودش و شرایط سختی که با مشقت و انواع تنش‌ها در حال سپری کردن آن است، می‌باشد. قرآن کریم نیز به این سختی و مشقت اشاره نموده است: «حَمَلْتَهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَيْكَ وَهْنٌ» (لقمان، ۱۴): مادرش او را با زحمت بر روی زحمت حمل کرد. پس خداوند سختی و مشقت و خاص بودن این دوران را تأیید نموده که این خود نیازمند توجه، ملاحظت و تخفیف در حق زن باردار است. البته با وجود سختی و مشقت در امور تکلیفی و شرعی گشایش نیز قرار داده شده است. آیه ۲۲ سوره حج می‌فرماید: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» که قاعده امتنانی نفی حرج برگرفته از آن است، امتنان به معنای سهولت در جعل برخی احکام شرعی، نوع خاصی از لطف است و با اینکه بر خداوند واجب نیست، بر اساس تفضل الهی به برخی از احکام اختصاص پیدا کرده است. حکم

امتنانی آسان‌تر و ساده‌تر جعل شده و ارفاق و امتنانی نسبت به مکلفان و برای رعایت حال ایشان است (میرزایی، ۱۴۰۱، ص ۸). در قانون مجازات اسلامی، عوامل رافع مسئولیت کیفری، عوامل موجهه جرم و معاذیر قانونی، مانع از مجازات هستند. عوامل موجهه جرم عبارت از اوضاع، شرایط و احوالی عینی است که وصف مجرمانه را از رفتاری که در شرایط عادی جرم است، برداشته، صورتی غیرقابل سرزنش به آن می‌دهد (گلدوزیان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷؛ اردبیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳).

افسردگی، اضطراب و اختلال در تمرکز و حافظه که از عوارض بارداری است، منجر به اختلال‌های روانی در این دوره برای زنان باردار می‌شود که خود مستلزم درمان است. با وجود علم این افراد به ممنوعیت موضوع ارتکاب، اگر در مقام عمل به‌خاطر اختلال در تمرکز، دچار غفلت شوند و عمل را انجام دهند، اثبات عمد بودن آن به‌خاطر چنین اختلالاتی مشکل است؛ زیرا عمد بودن جنایت در ارتکاب توسط افراد با اختلالات روانی، متزلزل است و چون نمی‌توان قصد و اراده آنها را در ارتکاب جرم ثابت کرد، از دایره عمد خارج است. رأی پزشکان و روان‌پزشک‌ها در این زمینه می‌تواند دلیل مؤید بر اختلال در توجه و آگاهی این افراد باشد؛ چرا که بنابر مشاهدات صورت‌گرفته، برخی زنان باردار به‌خاطر وضعیتشان، دچار اضطراب و افسردگی شدید و نقض در تمرکز شده‌اند که همگی منحل توجه و آگاهی شخص می‌شود و عمدی بودن اعمالشان را ساقط می‌کند. پس در صورت احراز اختلالات مذکور توسط پزشکان در مادر بارداری که مرتکب جنایتی شده است، می‌تواند تعدیل‌کننده مسئولیت کیفری او شود و از جهاتی، تخفیف‌دهنده مجازات باشد. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جهات تخفیف را در ۸ بند احصا نموده است. بند «ث» این ماده «ندامت، حسن سابقه یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیمار» را از عوامل مخففه مجازات می‌داند. این بند وضع خاص متهم را به‌عنوان یکی از جهات تخفیف عنوان نموده است. بارداری مخصوصاً بارداری با اختلالات خلقی و روانی، می‌تواند از مصادیق این بند باشد. همچنین بیماری‌ای که در این بند ذکر شده است نیز، شامل بارداری که به‌خاطر اختلالات پیش‌آمده ناشی از بارداری تحت درمان هستند

و بنا بر نظر پزشک جهت مداوا تحت درمان قرار گرفته‌اند یا حتی بعد از ارتکاب جرم، خاص بودن شرایطش احراز گردیده، خواهد بود و از مصادیق تخفیف مجازات به شمار می‌آید.

یافته‌های پژوهش

در فقه و حقوق اسلامی، اتفاق نظر بر عدم اجرای حد و قصاص بر زن باردار تا زمان وضع حمل و اتمام رضاعت است تا جنین و طفل او به‌خاطر اجرای حد و قصاص، آسیب نبیند یا هلاک نشود و در اجرای حدود اسرافیه صورت نگیرد. در آرای فقها و همچنین مواد قانونی قانون مجازات موضوعه، وضعیت ویژه مادر باردار به‌عنوان شخصی که در شرایط خاص قرار دارد، اصلاً مورد توجه قرار نگرفته است و در وضع قوانین و بیان آرا به لحاظ کردن این امر اهتمام نشده است و هیچ بحث و بررسی‌ای در این زمینه صورت نگرفته است.

بارداری برای زنان همواره به‌همراه تغییرات اساسی در خلق و روان آنهاست؛ به‌طوری که اختلالات دپرسیو، دوقطبی، افسردگی و اضطراب و اختلال در تمرکز و حافظه از عوارض بارداری و از اختلالات روانی مختص به این دوران است؛ به‌گونه‌ای که عمد و قصد و قدرت انطباق اعمال و رفتار را بر واقع به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. تا جایی که احتمال وقوع رفتارهایی را که خالی از قصد و عمد و بدون فکر، تمرکز، اختیار و ادراک از جانب زن باردار است، افزایش می‌دهد. قصد، عمد و اختیار شخص مجرم در قانون مجازات اسلامی بیانگر عنصر روانی و معنوی جرم و از پایه‌ها و ارکان اثبات مجرمیت و تعیین‌کننده مسئولیت کیفری هستند که با عدم آنها، عدم مسئولیت کیفری نیز باید احراز گردد. قانون مجازات اسلامی حمل را به‌عنوان عارضه‌ای که می‌تواند بر ارتکاب جرم مؤثر باشد، لحاظ ننموده است، اما با توجه به اثبات علمی وقوع این اختلالات در دوران حمل و فقدان عنصر روانی در وقوع جرم، می‌بایست از عوامل کاهش و رافع مسئولیت کیفری و مخففه جرم باشد. همچنین با استناد به مفاد قاعده درأ (که اگر وقوع جرم یا انتساب آن به متهم یا مسئولیت و استحقاق مجازات متهم به دلیلی مشکوک و محل تردید باشد، بر طبق این قاعده باید جرم و مجازات منتفی باشد)، احراز احوال و اوضاع زن باردار دال بر اختلال روانی ناشی از حمل، که وقوع عمدی جرم از

جانب او را مشکوک و متزلزل می‌کند، محل اعمال این قاعده می‌باشد.

پیشنهادها

بنابر مطالب مذکور، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود.

۱. از طرف وزارت بهداشت، علاوه بر پرونده مراقبت دوران بارداری در مراکز بهداشت، پرونده سلامت روان جداگانه این افراد نیز برای معاینات و مشاوره منظم از لحاظ روحی و روانی تشکیل شود.

۲. برگزاری کلاس‌ها و همایش‌های آموزشی از طرف رسانه‌های ملی و وزارت بهداشت برای آمادگی و آشنایی و معرفی این عوارض در حین بارداری و نحوه برخورد فرد و خانواده باردار، مخصوصاً همسران آنها در مواجهه با این عوارض و کنترل آن برای پیشگیری از تشدید این عوارض و منجر شدن به وقوع جرم.

۳. بارداری در بانوان به‌عنوان عامل مخدوش‌کننده عنصر روانی جرم و به تبع، رافع و کاهنده مسئولیت کیفری و مخفف مجازات‌های کیفری، به نظر و تصویب مقنن برسد و در این راستا، قانون و لایحه تصویب و اجرا شود.

۴. ایجاد مراکز مشاوره روانی و رفتاری مختص دوران حمل از طرف وزارت بهداشت، قوه قضائیه و حتی بخش خصوصی به انضمام بخش مشاورات حقوقی که علاوه بر ارائه مشاوره و کمک فکری و عملی به بانوان باردار و دارا بودن بار معنوی، می‌تواند خود ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای متخصصان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی زنان، روان‌پزشکی، روان‌شناسی و حقوق باشد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*، جلد ۱. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹). *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱. تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، سید عبدالکریم موسوی (۱۴۲۷ق). *فقه الحدود و التعزیرات*، ۴ جلد. قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم.

- گاستون، استفانی؛ لواسور، ژرژ و بولک، برنار (۱۳۷۷). *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱. ترجمه حسن دادبان. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهوتی الحنبلی، منصور بن یونس بن صلاح‌الدین ابن حسن بن ادريس (بی تا). *کشاف القناع عن متن الإقناع*. ناشر: دار الکتب العلمیه.
- پورافکاری، نصرت‌اله (۱۳۸۸). *بیماری اختلال روانی*. تهران: انتشارات آزاده.
- تیت، مارک (۱۳۸۶). *فلسفه حقوق*. ترجمه حسن رضایی خاوری. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم.
- تحریریه افق سلامت، (۱۴۰۰/۱۲/۰۴) «افسردگی بارداری و هر آنچه درباره آن باید بدانید»:
<https://ofoghsalamat.com>
- الجزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض (۱۴۲۴ق). *الفقه علی المذاهب الأربعة* بیروت. لبنان: دار الکتب العلمیه، الطبعة الثانية.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۴ق - ۱۴۲۷ق). *الموسوعه الفقهیه الکوئیتیه*. الکوئیت: صادر عن وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامیه.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و فخر بناب، حسین (۱۳۸۴). «مقایسه عوامل موجه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری». *ماهنامه دادرسی*. ۹(۵۴)، ص ۱۱-۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، جلد‌های ۱۲ و ۲۸. قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ سوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- حلّی، جمال‌الدین (بی تا). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. قم: انتشارات ایران.
- خطیب، یحیی بن عبدالرحمن (۲۰۱۹). «*أحكام المرأة الحامل*». نشر: جامع الکتب الاسلامیه
- خوبی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ق). *مبانی تکمله المنهاج*، ۲ جلد. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۷). *لغتنامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۲۰۰۷م). *فقه الاسلامیه وادلته*. دمشق: دار الفکر.
- ساداتی، محمد مهدی (۱۳۹۵). «شرایط اعمال قاعده درأ در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی». *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۸(۱۴)، ص ۱۱۳-۱۴۶.
- سلیمی، صادق (۱۳۷۶). *پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین‌المللی و حقوق کیفری ایران*. تهران: انتشارات خیام.

- شعبانی، مهسا (۱۴۰۱). «مجازات ضرب و جرح زن باردار». مندرج در سایت iranlaw.net.
- شیرازی، قدرت‌الله انصاری و همکاران (۱۴۲۹ق). موسوعه أحكام الأطفال و أدلتها، ۴ جلد. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول.
- شیرازی، محمد (بی تا). شرح اصول کافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ق). تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل. بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم.
- عاملی، سید محمدحسین ترحینی (۱۴۲۷ق). الزیاده الفقہیہ فی شرح الروضه البهیہ، ۹ جلد. قم: دار الفقه للطباعه و النشر.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۰۵). كشف اللثام. قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- فدایی، فرید (۱۳۷۹). روان‌پزشکی برای همه (روان‌پزشکی، انسان و جامعه). تهران: انتشارات بزرگمهر، چاپ اول.
- فغند، فاطمه (۱۳۹۸). «ضوابط شرعی در جلوگیری از بارداری». ششمین همایش دانشجویی بررسی فرهنگ سلامت از منظر قرآن و حدیث. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ارتش.
- کنیگهم، گری و همکاران (۱۳۹۳). بارداری و زایمان ویلیامز. ترجمه بهرام قاضی جهانی و همکاران. تهران: نشر گلبان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۶). حقوق جزای عمومی ایران، جلد ۲. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۵ق). جامع المسائل، ۱ جلد. قم: انتشارات امیر قلم، چاپ اول.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد (۱۴۱۹ق). الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی. بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الأولى.
- ترکمنی، محبوبه (۱۳۹۸). «تغییرات خلق و خو در دوران بارداری». مندرج در سایت: www.manodeliar.com.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق). روضه المتقین، جلد ۱۰. قم: مؤسسه فرهنگی-اسلامی کوشانپور.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش قضایی)، جلد ۳. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- _____ (۱۳۹۱). قواعد فقه (بخش جزایی)، جلد ۴. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ بیست و پنجم.

- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۱۵ق). *التفصا ص على ضوء القرآن و السنه*، ۳ جلد. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- نوری، میرزا حسین (بی‌تا). *مستدرک الوسائل*. قم: نشر ال‌بیت ل‌احیاء التراث
- میرزایی، کوثر؛ حدادی دلاور، آسیه؛ جهانیان، فهیمه و زارعان، منصوره (۱۴۰۲ق). «چالش‌های قانونی فقهی فاعلیت مادر در فرآیند درمان سقط جنین سندرم داون بر اساس قاعده الحر». *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۸(۷۸)، ص ۵۶۳.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۰). *مسئولیت کیفری*. تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم.
- میرسعیدی، منصور و نبی‌اله غلامی (۱۳۹۷). «اختلال شخصیت دوقطبی از منظر حدود مسئولیت کیفری». *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۲)، ص ۳۹۳.
- نجف‌آبادی، حسینعلی منتظری (۱۴۲۷ق). *معارف و احکام بانوان*. قم: انتشارات مبارک، چاپ دوم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- نسائی، أبو‌عبدالرحمن أحمد بن شعیب بن علی الخراسانی (۱۴۲۱ق). *السنن الکبری*، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الأولى.
- نوریها، رضا (۱۳۶۹). *زمینه حقوق جزای عمومی*. تهران: کانون وکلای دادگستری مرکز.
- Barondes SH (1999). . *Report of the National Institute of Mental Health's Genetics Workgroup: Introduction*. Biol Psychiatry. Elsevier. 45(5).